



نقد و بحث

در نامه گوهر ، این مبحث گشوده میشود و صاحب نظران و نقادان میتوانند با رعایت کامل همه جوانب کار ، هر شعر یا نثر و کتاب و رساله و مقاله را در کمال ادب و نزاکت و انصاف و بطور مستدل و منطقی ، مورد بحث و نقد قرار دهند و نظرات صائب خود را ، آزادانه ، ابراز دارند.

این نکته گفتنیست که بر حسب اصول متعارف و متداول جهان ، نوشته ای و کتابی و بطور کلی اثری در خور بحث و نقد صاحب نظران است که براساسی بلند پایه و گرانمایه و نغز و سنجیده و مهم و عالی و صاحب آن عالم و فاضل و محقق و متبحر باشد و در حقیقت به ارزش نقد و بحث بیارزد پس از این نظر ، انتقاد علامت تکذیر و تحقیر نیست بلکه نشان تکریم و تعظیم است . گوهر

(۱)

نقد و بحث بر کتاب مجمل التواریخ و التخصیص

تصحیح شادروان استاد ملك الشعر اء بهار

چاپ اول ۱۳۱۸ شمسی

(دنباله شماره پهبش)

ص ۳۱۱ س ۲۰ در حاشیه ابوالعلی ، چنین کنیه ای در عربی وجود ندارد و ابویعلی نیز به صورت یاء که دو نقطه زیر آن باشد نادرست است بلکه

* آقای عبدالحمید بديع الزماني ، استاد دانشكده ادبیات و دانشكده الهیات دانشگاه تهران. از ادیبان و دانشمندان گرانمایه معاصر.

- آن هم با الف مقصوره تلفظ می‌شود.
- ص ۳۱۲ س ۱ این بیت با همین صورت وارد شده است و چنانکه دانسته می‌شود از نظر وزن نادرست است. بنظر من باید صحیح آن چنین باشد:
- انا ابن کسری و ابي ابن مروان. یعنی من زاده کسری هستم و پدرم پسر مروان است.
- علامت اختصاری تاریخ طبری در حاشیه شادروان بهار فقط ط می‌باشد بنا بر این طا و الف مخالف قرارداد خودوی و باید ط تنها باشد.
- دولتی اشتباه و دولت درست است. ۲۴ و ۲۱ » » »
- طا و کا به عنوان علامت اختصاری طبری و کامل مخالف قرارداد محشی است و باید ط و ک تنها باشد. ۱۱ » ۳۱۳ » »
- عمر بن عبدالعزیز درست است. ۱۶ » » »
- الخیبری با تقدیم یاء دو نقطه بر بباء يك نقطه درست است چنانکه در حاشیه آمده است. ۲۸ » » »
- نام این مرد جدیع به ضم جیم و فتح دال و در آخر آن عین بی نقطه است به صورت تصغیر، و خدیج نادرست است. ۵ » ۳۱۴ » »
- طا و کانادرست و ط و ک صحیح است. ۱۴ » » »
- الامام ابراهیم همانگونه که در حاشیه آمده است باید ابراهیم الامام باشد. ۲۱ » » »
- کامخالف قرارداد محشی و ک درست است. ۴ س ۳۱۵ » » »
- نشأ درست است که باید همزه روی الف نوشته شود. ۱۶ » » »
- و نداد صحیح است که آخر آن دال باشد و این غلط مطبعی است. ۱۸ » » »
- صحیح بیت چنین است: ۲۵ » » »
- ۱۷ » ۳۱۶ »
- أری جدعا لم یثن لم یقور ایض علیه فبادر قبل ان یثنی الجذع و احتمال محشی در سطر ۲۶ از صحت بدور است و چندین اشتباه دارد در اینجا من باید کلمات بیت را معنی کنم:
- جذع با دو فتحه یعنی شتر یا هر چهارپای جوان است، که در گوسفند دو ساله و در گاو سه ساله و در شتر پنج ساله است و لم یثن یعنی ثنی نشده است و ثنی به فتح ثاء و تشدید یاء بروزن غنی در گوسفند و بز سه ساله و در شتر شش ساله است. رائض بمعنی رام کننده و باصطلاح متأخرین مهترستوران است و یثنی یعنی ثنی شود و خلاصه معنی بیت چنین است:
- من گوسفند یا گوساله یا شتر جوانی را می‌بینم که سال او از سه یا پنج افزون نشده است و هیچ رام کننده یا مهتری بر وی دست نیافته است پس تو پیش از آنکه سال او افزون شود پیشدستی کن (و برای خود رام کن)

پرسش آقای محمد حسن رجائی زفره‌ای درباب کلیشه
مقاله مرحوم دکتر کحال (صفحات ۳۰۸ و ۳۰۹ شماره چهارم سال سوم)

... در این کلیشه روز - ماه، قمری، جلالی، میلادی است و در بالای صفحه با سالهای

۸ - ۱۹۰۷ میلادی ۱۲۷۷ قمری - ۱۲۸۶ شمسی - ۸۲۹ جلالی
در کلیشه یکشنبه شانزدهم ذی القعدة ۱۳۲۵ برابر ششم دیماه جلالی است که درستون
توقعات شب یلدا نوشته شده

بنا بر این در نقل خاطرات مرحوم دکتر کحال نظیر صفحات ۵۶۶ - ۵۶۷ باید
برای پنج روز اختلاف (جلالی - شمسی) فکری کرد.

مثلا جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ که برابر ۱۴ اسفند ۱۲۸۶ شمسی (صفحه ۵۶۶)
نمیشود یا ۹ اسفند (نهم اسفند) ۱۲۸۶ شمسی می‌شود و یا ۱۴ اسفند جلالی

پاسخ آقای ابوالقاسم کحال زاده

ننامه آقای محمد حسن رجائی زفیره ای در موضوع اختلاف تاریخ جلالی در
یادداشت‌های شادروان دکتر حسین کحال ملاحظه شد و اینکه باین دقت مندرجات
مجله تحقیقی گوهر را مطالعه فرموده‌اند موجب کمال خوشوقتی است. برای روشن شدن
مورد اختلاف مجبورم مقدمه مختصری عرض نمایم تا علت اختلاف ۵ روز بطور مستدل
معلوم گردد. نظر مرحوم دکتر حسین کحال این بوده است که هر واقعه مهمی که روی
داده بتاریخ همان روز در حاشیه تقویم قید نماید و چون در آن زمان تاریخ شرعی و
عرفی کشور تاریخ هجری قمری بوده روز هفته مطابق روزماه قمری نوشته شده و تاریخ
شمسی و میلادی هم قید شده است و چون تا قبل از ۱۳۰۴ شمسی که اسامی ماههای شمسی
از حمل و ثور و جواز الخ به فروردین و اردیبهشت و خرداد تبدیل گردید يك اختلاف
چندین صد ساله موجود بوده است که سال شمسی (جلالی) ۳۶۰ روز حساب می‌شده و
تا اول حمل سال بعد ۵ روز باقی میمانده، در تمام تقاویم آن زمان بعد از ۳۰ اسفند
ماه جلالی ۵ روز بنام (خمسه جلالی) به آخر سال اضافه می‌کردند که سال شمسی ۳۶۵
روز بشود و تحویل آفتاب به اول برج حمل همان روز اول فروردین سال جلالی باشد. برای

شاهد مثال بتاریخی که نویسنده محترم متذکر شده‌اند اشاره نموده توضیح میدهم که جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ برابر ۱۴ اسفند ۱۲۸۶ جلالی نوشته شده و حال آنکه در همان صفحه تقویم صریحاً اول حوت پنجشنبه ۱۷ محرم ۱۳۲۶ قید شده است و با این حساب آخر حوت ۱۲۸۶ شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۶ می‌باشد که ۳۰ روز تمام و شب عید نوروز ۱۲۸۷ شمسی است. پس با این توضیح قبول خواهند فرمود که روز واقعه ۲۵ محرم برابر با ۱۴ اسفند ۱۲۸۶ شمسی جلالی و ۲۸ فوریه ۱۹۰۸ میلادی بوده است. با اینحال بعقیده بنده یگانه فکری که میتوان برای اختلاف ۵ روزه ماههای جلالی و شمسی کرد این است که انشاء الله در موقع چاپ کتاب تاریخ مشروطیت شادروان دکتر حسین کحال توضیح کامل در موضوع (۵ روز خمرسه جلالی) داده شود و در صورت اشکال سه کلمه بتاریخهای سه‌گانه اضافه کرد و روز و ماه و سال جلالی را از روز و ماه و سال شمسی جدا کرد. توضیح دیگر آنکه در همان کلیشه یکشنبه ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ برابر ششم دی‌ماه جلالی است که در ستون توقعات (شب یلدا) نوشته شده است. اگر با ذره بین ملاحظه فرمائید سطر دوم بعد از شب (یلدا) نوشته شده است (اول جدی) که همان شب اول زمستان است و باز اختلاف ۵ روزه (خمرسه جلالی) کاملاً هویدا و مشهود است. امیدوارم توضیحات بنده مورد توجه نویسنده محترم قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

تنها تقاضای ما

از مشترکان ارجمند که بدوام انتشار ماهنامه تحقیقی گوهر علاقمندند
 و ما را بنامه و پیام بادامه این خدمت بزرگ تشویق و دلگرم می‌سازند چشم
 داریم که وجه اشتراك ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ را اگر تاکنون نپرداخته‌اند بپردازند
 باین تنها ممر در آمد ما كوك رساند.

«گوهر»